

### بررسی نقش روحانیت و روشنفکری در نهضت مشروطه

فاطمه حسین خراسانی<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸

امیر تیمور رفیعی<sup>۲</sup> تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

سیداصغر محمود آبادی<sup>۳</sup>

سیدحسن قریشی<sup>۴</sup>

#### چکیده

شناخت عمیق ماهیت نهضت‌ها و انقلاب‌ها تا حد زیادی به بررسی نقش گروه‌ها و نیروی‌های اجتماعی تاثیرگذار در روند انقلاب‌ها بستگی دارد. جنبش مشروطه نیز از جمله دستاوردهای رویارویی ما با اندیشه‌های مدرن بوده است. در این بین، روحانیت و روشنفکران از نیروهای تاثیرگذار در ساختار اجتماعی به شمار می‌آیند. مشروطه اولین تجربه رقابت نیروهای سیاسی در تاریخ ایران بود که روحانیت و روشنفکران توانستند آن را در کنار هم به پیروزی رسانند. روحانیون دیدگاه‌های خود را بر اساس ارزش‌های دین اسلام و آموزه‌های آن بیان می‌کردند و جریان روشنفکران با الگوبرداری هم‌تایان غربی تلاش داشتند تا ساختارهای جدید سیاسی در ایران مستقر کنند که بیشتر برآمده از مکاتب غربی و آموزه‌های سکولاریسم، عقل‌گرایی و علم‌گرا بود. در این پژوهش به نقش روحانیت و روشنفکران به عنوان مهمترین عوامل در ساماندهی جامعه ایران در زمان انقلاب مشروطه با روش توصیفی تحلیلی می‌پردازیم. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که این دو جریان از مؤثرترین طیف‌ها در انقلاب مشروطه بودند. به نظر می‌رسد جریان روشنفکری با بهره‌گیری از ظرفیت آگاهی و آشنایی با مظاهر جدید در آن دوره توانست آموزه‌های جدید مشروطه‌خواهی و حکومت بر پایه قانون را با تأسی از غرب وارد ایران کند و جریان روحانیون این آموزه‌ها را با قرانت اسلامی بازآفرینی کرد و با بسیج قشر مردمی توانستند، مشروطه را به پیروزی برسانند.

**کلیدواژه‌ها:** نهضت مشروطه، روحانیت، روشنفکری، مشروطه‌خواهان.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران: [naimh.khorasani@yahoo.com](mailto:naimh.khorasani@yahoo.com)

۲. استاد یار گروه تاریخ، واحد محلات، دانش‌گاه آزاد اسلامی، محلات، ایران (نویسنده مسئول): [amirteymourrafiei@yahoo.com](mailto:amirteymourrafiei@yahoo.com)

۳. استاد گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران: [asqarmahmoodabadi@yahoo.com](mailto:asqarmahmoodabadi@yahoo.com)

۴. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور قم، قم، ایران: [shqourishi@gmail.com](mailto:shqourishi@gmail.com)

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

بر اساس مطالعات تاریخی، سلسله قاجاریه بر پایه ساختار استبدادی بنیان نهاده شده بود و به دنبال تغییرات سیاسی و اصلاحات اقتصادی و بهبود معشیت مردم نبود و اساساً برای خود نه تکلیف و وظیفه‌ای نسبت به آبادانی کشور قائل بود و نه دغدغه تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران را داشت. در این دوران، اندیشه ظلم‌ستیزی و برقراری حکومت اسلامی در نگاه علمای دینی و نیز آشنایی ایرانیان و طبقه نخبه روشنفکر ایرانی با افکار تجددخواهانه و نظام‌های پارلمانی اروپا، زمینه را برای نهضت مشروطه‌خواهی در ایران فراهم آورد. انقلاب مشروطه، رویدادی مهم در بیداری ایرانیان و نقطه انقطاع تاریخی میان گذشته و دوره جدید ایران است. در واقع، نهضت ضد استبدادی که در قالب مشروطه به ثمر رسید، برای نخستین بار به تثبیت حقوق قطعی مردم در مقابل حاکمیت، در قالب قانون اساسی و متمم آن پرداخت و در فرهنگی که تسلیم و تبعیت از سلطان و اراده مطلق او، یک اصل سیاسی و اجتماعی بود، تفسیر و معنای تازه‌ای را از روابط حاکمیت و مناسبات قدرت و همچنین حقوق مسلم مردم بر ذمه فرمانروایان ارائه کرد.

به عبارت دیگر، در تاریخ ایران، از منظر تاریخ اندیشه و تفکر، انقلاب مشروطه سرآغاز نوینی است. رخدادی که بزرگ‌ترین و مؤثرترین تحول را در شئون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران تا مقطع انقلاب اسلامی به وجود آورد، دفتر کهنه و قدیم را درهم پیچید، حکومت استبدادی را که تا آن زمان در ایران فرمان‌فرمایی می‌کرد، واژگون ساخت، حکومت ملی مبتنی بر تعقل، آزادی و عدالت را برقرار ساخت و تقدیرات ملک و ملت را به خود مردم سپرد. به طور کلی، در این دوره بسیاری از شاخص‌های تحول در تفکرات دینی همچون آزادی، حاکمیت قانون، مجلس و تفکیک قوا بنیان گرفت؛ هر چند در جریان حوادث

تاریخی، در حیطه عمل و اجرا دچار افت و خیز فراوان شد.

در عصر مشروطه دو گرایش و جریان فکری عمده و تأثیرگذار در سطح صاحب‌نظران و نخبگان سیاسی اجتماعی جامعه ایران مطرح بود:

۱. علمای دینی و در رأس آنها علمای نجف که برداشتی خلافتی از دولت داشتند؛
  ۲. روشنفکران متمایل به اندیشه‌های لیبرالی که دارای برداشتی خردگرا و اومانستی بودند و روشنفکران پیرو تئوری مارکسیستی با نگاه سوسیالیستی که در چهارچوب اولویت دادن به جمع، خواستار مداخله دولت در امور اقتصادی برای حفظ منافع اکثریت بودند.
- بازشناسی نقش علما و روحانیون و نیز روشنفکران در این نهضت به دلیل اینکه آنها دو گروه اصلی و شاخص در این جریان بودند، از اهمیت بسزایی در رابطه با بازنمایی جایگاه گروه‌های تأثیرگذار بر نهضت مهم مشروطه دارد.

در پیروزی این نهضت، این دو جریان نقش اساسی داشتند و توانستند با بهره‌گیری از ظرفیت آگاهی و بیداری‌ای که رخ داده بود و بسیج مردمی، حکومت قانونی روی کار بیاورند و ایران را از سر سلسله حکومت استبدادی شاهنشاهی خارج کنند؛ از این رو، بازشناسی نقش علما و روحانیون و نیز روشنفکران در این نهضت به دلیل اینکه آنها دو گروه اصلی و شاخص در این جریان بودند، از اهمیت بسزایی در بازنمایی جایگاه گروه‌های تأثیرگذار بر نهضت مهم مشروطه دارد.

## ۲. هدف و پرسش تحقیق:

نهضت مشروطیت حرکتی بود که یکی از مصادیق تعامل دیانت و سیاست در چهارچوب نظریه ولایت انتصابی در شریعات بود. مشروطیت حرکتی بود که با پیش‌آهنگی علما که مظهر دین‌داری مردم بودند، توانست پیش برود. در کنار علما، گروه دیگری از نیروهای سیاسی-

اجتماعی جامعه ایرانی در نهضت مشروطیت نقش داشتند که به گروه جریان روشنفکری مشهور بودند. آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد، پاسخ به این پرسش است که علما و جریان روشنفکری چه تاثیری در انقلاب مشروطه داشتند؟ همچنین این سؤال مطرح می‌شود که روحانیون و روشنفکران در کنار هم از چه روش و جریان‌هایی برای تحقق جریان مشروطیت استفاده کردند.

### ۳. پیشینه تحقیق:

در باب پیشینه پژوهش حاضر، اگرچه مقالات و نگاه‌های متعددی مانند: ۱- روحانیت شیعه و مقایسه سه دهه نقش آنها پس از مشروطه دو؛ از سید جواد امام جمعه در فصلنامه شیعه شناسی، شماره ۳۹، سال ۱۳۹۱؛ ۲- بررسی تطبیقی آثار سیاسی - ادبی روشنفکران مشروطه؛ از سمانه یادگاری در پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی سال ۱۳۵۹؛ ۳- عالمان دین در آوردگاه مشروطه؛ از سید محمد جواد قربی در فصلنامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۳۸۸، شماره ۸۶ و ۸۷؛ ۴- جریان روشنفکری در عصر مشروطه؛ از سید محی الدین خلخالی در فصلنامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره یک، سال چهارم سال ۱۳۹۵؛ ۵- گفتمان روشنفکری و روحانیت در انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی؛ از فرهاد کرامت در فصلنامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی شماره ۱ تا ۴ سال چهارم ۱۳۹۹، پژوهش‌های انجام شده یا از زاویه دید جامعه‌شناسی یا از باب کارکردی به نقش روحانیت یا روشنفکران نگریسته شده است یا نقش روشنفکران و علما از باب تحلیل گفتمان و بررسی عناصر بررسی شده است؛ اما تاکنون پژوهشی درباره نقش و تأثیرات روحانیت و روشنفکران به صورت یک جریان اثرگذار بر تحولات سیاسی اجتماعی که با همه واگرایی‌هایی که با هم داشته‌اند؛ اما در یک مسیر با هم

تلاقی پیدا کردند، انجام نشده است. در نوشته پیشرو سعی شده است که به بیان مهم‌ترین تاثیرات روحانیون و روشنفکران در دوران مشروطه پرداخته شود.

#### ۴. مفاهیم پژوهش:

در انقلاب مشروطه گروه‌های متعددی مانند روحانیون و روشنفکران و بازاریان حضور داشتند؛ اما به لحاظ فکری آن جنبش ملهم از دو جریان فکری اسلام‌گرا و غرب‌گرا بود. انقلاب مشروطه به واقع ماحصل تفکرات خاصی بود که این گروه‌ها در عرصه سیاسی - اجتماعی ایران مطرح کردند و هر کدام از این گروه‌ها در خیزش علیه استبداد و استعمار با دو خط فکری اسلام‌گرایی و غرب‌گرایی به بنیاد شکل‌گیری انقلاب مشروطه نقش داشتند. روحانیون که با هدف احیای دین، رفع ظلم حکام و آسایش مردم وارد انقلاب مشروطه شدند و روشنفکران هم که خواستار وحدت ملی، توسعه ترقی، پیشرفت و اصلاحات به سبک غرب بودند.

مشروطه:

پژوهشگران و محققان تاریخ نو ایران و ترکیه در آثار خود، واژه «مشروطه» را به عنوان معادلی برای واژه انگلیسی Constitutionalism (کنستیتوشنالیزم) یا حکومتی که بر شالوده یک قانون اساسی و نظام پارلمانی بنیاد شده باشد، به کار برده‌اند. پژوهشگران تاریخ مشروطه ایران، درباره ریشه لغوی این واژه، اختلاف نظر دارند و تقریباً همه نویسندگان ایرانی آن دوره، واژه مشروط را بدون در نظر گرفتن ریشه واقعی آن از ریشه عربی «شرط» گرفته‌اند. در سال ۱۳۲۴ زیر فشار آزادی‌خواهان واژه مشروطه برای نخستین بار در یک فرمان رسمی محمدعلی‌شاه به کار برده شد. چون در فرمان‌های پیشین مظفرالدین‌شاه لغت مشروطه یاد نشده بود، شاه جدید ناچار شد که تغییر رژیم ایران را از استبدادی به مشروطیت با ذکر کلمه

مشروطه تأیید کند؛ (هدایت، ۱۳۴۴: ۱۴۷-۱۴۹) بنابراین، محمدعلی شاه در فرمان خود به روشنی اعلام کرد: «از همان روز که فرمان شاهنشاه مبرور انارالله برهانه شرف صدور یافت و امر به تأسیس مجلس شورای ملی شد، دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب کنستیتوسیون به شمار می‌آید.» (همان: ۱۴۹)

در این فرمان، هر دو واژه «مشروطه» و «کنستیتوسیون» به کار برده شده است؛ به این معنا که ایران، حکومت مشروطه خود را آغاز کرده و قرار است که همسان کشورهای مشروطه و دموکراسی جهان مانند بلژیک، انگلیس و فرانسه امور حکومت و کشور را بر طبق قانون اساسی اداره کند؛ البته مشخص نیست که محمدعلی شاه تا چه اندازه از معانی کلمات فرمانی که زیر آن را امضا کرد، آگاه بوده است؛ ولی آنچه واضح است، آنکه افرادی که انقلاب مشروطه را رهبری می‌کردند، باورها و تفاسیر گوناگونی درباره مشروطه داشته‌اند. (آدمیت، ۱۳۴۰: ۱۵۴)

در ایران دو واژه «مشروطه و مشروطیت» به آن نظام حکومتی اطلاق می‌گردد که پس از انقلاب سال ۱۳۲۴ هجری پدید آمد. در کشورهای عربی واژه «دستور» و در هند و پاکستان لغت «آیین» که هر دو فارسی می‌باشند، به جای لفظ کنستیتوشن انگلیسی یا کنستیتوسیون فرانسه به کار رفته است.

روشنفکران:

در اصطلاح به معنای فردی است که اثرگذاری وی در تولید و گسترش علم و هنر و فن‌آوری و فرهنگ‌سازی و مدیریت کشور محسوس باشد. لغت روشن فکر به معنای بزرگان و صاحبان فکر. در واقع، روشن فکران افرادی‌اند که ظرفیت به کارگیری منابع (نه لزوماً تملک منابع) قدرت را داشته باشند؛ یعنی منابع چهارگانه ایدئولوژیکی، سیاسی، نظامی و اقتصادی

و کنش او پیامد اجتماعی منظم و مستمر در سطح کلان و در طول زمان داشته باشد. روشنفکران کسانی اند که از چهارچوب سنتی در هر زمینه فراتر می‌روند و ارزش‌های جدید ایجاد می‌کنند.

ولایت انتصابی:

۱. نصب در لغت: نصب در لغت به معنای گماشتن است. گماشتن یک فرد به یک منصب یا مسئولیت خاص با اختیارات و وظایف ویژه و همچنین حکومتی از نظر و انتصاب خالی نیست و اساساً بدون انتصاب، حکومت برقرار نمی‌ماند.

۲. انتصاب در قرآن: در قرآن از لغت نصب برای نصب اشخاص حتی یک مورد هم استعمال نشده است؛ اما به شش منصب الهی اشاره می‌شود که در آنها واژه نصب برای واژه‌های جعل، ایتا، اصطفا و بعثت استفاده شده است. حکومت انتصابی حکومتی است که زمامدار از سوی مافوق و ماورای طبیعت تعیین می‌شود.

## ۵. روش تحقیق:

تحقیق حاضر مانند اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در حیطه علوم انسانی از نوع توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و میراث روایی و منابع مکتوب تاریخی شکل یافته است که همراه با شناسایی منابع و ماخذ لازم، مطالعه و بررسی آنها تطبیق و فیش‌برداری، طبقه‌بندی مرتب شده و به نگارش درمی‌آید. تحقیق توصیفی - تحلیلی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها توصیف و تحلیل شرایط با پدیده‌های مورد بررسی است. شایان ذکر است که اجرای تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌تواند منجر به شناخت دقت مسئله پژوهش و یاری رساندن به فرایند تصمیم‌گیری باشد.

## ۶. یافته‌های تحقیق:

بررسی دگرگونی‌ها و تحولات سیاسی اجتماعی و نقش عوامل مؤثر بر این تحولات به عنوان یکی از مسائل مهم و اساسی تلقی می‌شود.

در این پژوهش این سؤالات پاسخ داده می‌شود: 1-6 اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی دوران مشروطه 6.2 علما و روشنفکران چه تاثیری در پیروزی انقلاب مشروطه داشتند؟ 7. از چه روش‌هایی برای پیروزی در مشروطه استفاده کردند؟

### ۱-6. اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در عصر مشروطه

تاریخ ایران، آکنده از دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که با ظهور سلسله‌های مختلف و گرایش‌های مذهبی متفاوت، در هر دوره‌ای رنگی جدید به خود دیده است. در دوره قاجاریه، ساختار سیاسی، استبدادی بود و قدرت به صورت متمرکز در شاه تجمیع شده بود. مشروعیت قاجاریه بر اساس تفکر ظل‌اللهی بودن شاه و اطاعت مطلق از حکومت، قداست حکومت و شخص حاکم، موروثی بودن قدرت مبتنی بود. (ربانی‌زاده و لطفی، ۱۳۹۴: ۶۰-۶۱)

از طرف دیگر، در این دوره، ارتباط و آشنایی با غرب و سفرهایی که انجام می‌شد، سبب بروز و گسترش اندیشه‌های جدید، گرایش‌های نو و مشاغل جدید شد و طبقه متوسط تازه‌ای را به نام روشنفکران به وجود آورد. آنان به دلیل نوعی آگاهی‌ای که از تجدد و غرب یافته بودند، تحت تأثیر مکاتب فکری اروپا نظریاتی داشتند که دارای وجوه همسانی بود و سبب شکل‌گیری جریان روشنفکران در ایران شد. (رضایی‌پناه و ایزدی، ۱۳۹۲: ۴۳-۴۴)

آشنایی ایرانیان با تمدن غرب در دوران فتحعلی شاه قاجار و شور و شوق اقتباس تکنولوژی و تمدن غربی با توجه به عقب‌ماندگی جامعه ایران و شکست‌های دو جنگ با



روسیه، گرایش عمده‌ای در تقلید از غرب ایجاد کرد. غرب‌گرایی در ابتدا با شعار اصلاحات و تأکید بر ابعاد نظامی شروع شد و دیری نپایید که تفکری جدید که روح ظاهر و باطن فرهنگ سنتی ایران سنخیت نداشت و مفاهیمی همچون آزادی، قانون‌گرایی، حکومت قانونی، ترقی و پیشرفت، سرلوحه ادبیات سیاسی اجتماعی روز قرار گرفت.

با ورود اندیشه‌ها و نظریات جدید از مغرب زمین، انقلابی تحت عنوان انقلاب مشروطه در ایران شکل گرفت و تحولی عظیم در شئون سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران به وجود آورد. با نهضت مشروطیت برای اولین بار در بین ایرانیان، نگرش و تفکر نسبت به حکومت و جایگاه آن دچار تحول اساسی شد. (تقی‌زاده، ۱۳۳۸: ۱۵۲) در نتیجه، اندیشه مشروطه-خواهی از قلمرو سیاسی سنتی ایران فراتر رفت و با ابداعات و نوآوری در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی همراه شد تا جایی که ساختار سیاسی جامعه ایران با یک سیاست بنیان‌برافکن روبه رو شد. برای آشنایی با تیپ‌های گوناگون نخبگان اجتماعی و سیاسی و دینی مشروطه از اندیشه‌های دینی و تغییرات و تحولات در عصر مشروطه چه گرایش فکری عمده در سطح صاحب‌نظران و نخبگان سیاسی جامعه ایران مطرح بود:

- ۱- علمای دینی و علمای نجف به بررسی دولت پرداختند.
- ۲- روشنفکران پیرو تئوری مارکسیستی با نگاه سوسیالیستی که در چهارچوب، اولویت دادن به جمع، خواستار مداخله دولت در امور اقتصادی برای حفظ منافع اکثریت بودند.
- ۳- روشنفکران متمایل به اندیشه‌های لیبرالی که دارای برداشتی خردگرا و اومانستی بودند.

تحول‌گفتمان سیاسی در باور ما مرهون رویدادهای سیاسی - اجتماعی به ویژه غرب‌گرایی و سیاست مذهبی دولت بوده است. چون که اندیشه مشروطه‌خواهی از قلمرو سیاسی

ستی ایران فراتر می‌رفت و با ابداعات و نوآوری در حوزه‌های مقاومت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی همراه بود تا جایی که ساختار سیاسی جامعه ایران با یک سیاست بنیان‌برافکن روبه‌رو شد. (حائری، ۱۳۶۴، ص ۲۵۸)

هدف نهضت مشروطه، استقرار نظامی بر مبنای قدرت ملت بود که در آن اعمال حکومت با استفاده از تفکیک قوا محدود و حقوق و آزادی‌های مردم تأمین می‌شد. از این رو، می‌توان گفت خواست اصلی و اساسی نهضت مشروطه سرنگونی دولت استبدادی و تأسیس حکومت مشروطه بود؛ یعنی مشروطه‌خواهان به دنبال تغییر رابطه بین دولت و ملت بودند؛ به عبارت دیگر، در پی تبدیل رابطه شاه و رعیت به رابطه دولت-شهروند بودند، تا به واسطه آن دولت، نماینده ملت و پاسبان تمامیت ارضی کشور باشد. (شجعی، ۱۳۷۲: ۱۵۲)

این انقلاب در نهایت با وضع قانون اساسی، حکومت پارلمانی را در راستای اصول اساسی دموکراسی برقرار ساخت. در این قانون اساسی پاره‌ای از نمادهای ظاهری جامعه مدنی و توسعه سیاسی گنجانده شد. برخی از این نمادها عبارت است از: محدود بودن سلطنت به قانون، لزوم پاسخگویی مسئولان حکومتی به نمایندگان مردم، سلطنت ودیعه‌ای است از جانب ملت به شاه، آزادی‌های سیاسی و مدنی، آزادی تشکیل اجتماعات و نهادها، مطبوعات آزاد و مستقل و نوعی تفکیک قوا. (راوندی، ۱۳۵۷: ۱۶۰-۱۴۵)

در این دوره، مهم‌ترین جریان فکری از اندیشه‌های دینی و تغییرات و تحولات در عصر مشروطه عبارت بود از: علمای دینی و روشنفکران، که در ادامه به بررسی جریان نخبه‌گرای روحانیون و روشنفکران و تأثیر آنها در نهضت مشروطه پرداخته می‌شود.

## ۲.۶. تاثیر و نقش علما و روشنفکران در عصر مشروطه

نهضت ضد استبدادی که در قالب مشروطه به ثمر رسید، برای نخستین بار به تثبیت

حقوق قطعی مردم در مقابل حاکمیت، در قالب قانون اساسی و متمم آن پرداخت و در فرهنگی که تسلیم و تبعیت از سلطان و اراده مطلق او، یک اصل سیاسی و اجتماعی بود، تفسیر و معنای تازه‌ای را از روابط حاکمیت و مناسبات قدرت و همچنین حقوق مسلم مردم بر ذمه فرمانروایان ارائه کرد.

گروه‌ها و جریان‌های گوناگون فکری در برابر تجدد و تمدن جدید، چه در مشروطه، چه پیش و چه پس از آن، دارای سه موضع و رویکرد بوده‌اند:

الف: پذیرش کامل؛

ب: نفی کامل؛

ج: پذیرش همراه با نقد، گزینش و انتخاب.

رویکرد نخست، موضع غرب‌گرایان را در نهضت مشروطه نشان می‌دهد.

گروه دوم با هدف دفاع از اسلام و خلوص آن در برابر پدیده‌های جدید، نفی کامل تجدد و تمدن جدید را در دستور کار خود قرار داد.

۱. ۲. ۶ نقش و تأثیر روحانیت در پیروزی مشروطه

روحانیت پس از به رسمیت شناختن مذهب تشیع در دوران صفویه و قدرت یافتن آن در کنار پادشاهان شیعه، موقعیت سیاسی جدیدی به دست آورد؛ اما پیوند آنان با دولت در دوره قاجار دوام چندانی نداشت. روحانیون در عصر پادشاهان قاجار، پس از چندی توانستند به صورت اپوزیسیون داخلی، رهبری قیام تنباکو را به دست گیرند. با ورود به عصر جدید، روحانیت به طور فعال در رخداد‌های مهم سیاسی کشور مشارکت می‌کرد و همین امر سبب شد که آنان به پیشینه و تجربه سیاسی مهمی مجهز شوند. بالاترین حد پویای ذهنی روحانیت را می‌توان ایجاد همزیستی میان نظریه در حکومت مشروطه و مبانی اسلامی دانست.

جریان روحانیت در تحولات دوره مشروطه در چند سطوح نقش داشتند که عبارت است از: ۱. در حوزه سیاست داخلی: نظریه پردازی و بازتعریف مفاهیم مدرن مانند قانون، دولت و ملت و اصلاح ساختار حکومت پادشاهی و استعماری به مشروطه طلبی با چاشنی مشروعه؛ ۲. در حوزه سیاست خارجی: مبارزه و قطع دست استعمار از دخالت در امور عامه؛ ۳. در حوزه اقتصادی و اجتماعی: پیگیری و تأکید بر عدالت خواهی و عدالت طلبی؛ ۴. در حوزه فرهنگی: رشد و آگاهی بخشی به توده های مردم در جهت ظلم ستیزی.

شاخص آن فعالیت ها، ضد بیگانه بودن است. برای نمونه وجه ضد استعماری فعالیت های علما می توان به فتوای مرحوم میرزای شیرازی، اقدام مرحوم ملا علی کنی در قضیه رویتر، حرکت مرحوم آخوند در جهت تهدید روس برای اشغال ایران اشاره کرد.

مشروطیت حرکتی بود که با پیشاهنگی علما که مظهر دینداری مردم بودند، توانست پیش رود. هر چند سابقه فعالیت های ضد استبدادی علما و روحانیون به پیش از دوره مشروطیت می رسد؛ (الگار، ۱۳۵۶: ۲۸۲) مانند فتوای مرحوم میرزای شیرازی، اقدام مرحوم ملا علی کنی در قضیه رویتر، حرکت مرحوم آخوند در جهت تهدید روس ها برای اشغال ایران؛ بنابراین، روحانیون با هدف احیای دین، رفع ظلم حکام، رفع استبداد داخلی و استعمار خارجی، آسایش مردم و غیره وارد انقلاب مشروطه شدند. نمونه بارز این علما، آیت الله میرزا حسین نائینی است که مخالفت خود را در سلطه کفار بر مملکت اسلامی توسط قدرت های بزرگ آن زمان؛ یعنی روس و انگلیس را بر اساس قاعده نفی سیل اعلام می کند؛ بنابراین، ایشان تغییر سلطنت استبدادی قاجاریه را به نظام مشروطه به عنوان راه حلی برای نجات کشور از سلطه بیگانه و حفظ اسلام و مسلمین دنبال می کرده است.

عامه جریان روحانیت از انقلاب مشروطه حمایت کردند و بخش قابل توجهی از آنان نه

تنها از مشروطیت حمایت کردند؛ بلکه با حضور در بطن حوادث، به پشتیبانی عملیاتی از این انقلاب پرداختند. انگیزه‌های معنوی در بین این جریان موج می‌زد و آنها پس از سال‌ها تحمل استبداد قاجاری، به مشروطه به عنوان روزنه‌ای برای ورود به مسیر پایه‌ریزی حکومت حداقل شبه اسلامی می‌نگریستند؛ البته سیاست‌ها، مواضع و ابتکار روحانیون منطبق با آیین شریعت بود و از دیدگاه آنها، اسلام برای تمامی جوانب حیات بشری از جمله حکومت‌داری و زندگی اجتماعی مردم برنامه ارائه کرده است. (کرمانی، ۱۳۶۳: ۲۶۸-۲۷۱)

در واقع، بیشتر علما، آن طور که اسناد و مدارک نشان می‌دهد، مشروطه را نظامی خنثی می‌دانستند که به راحتی قابل تطبیق بر فرهنگ ایران و دین مبین اسلام است و توجهی به اندیشه‌های مشروطه خواهی در غرب و خواسته‌های این افراد نداشتند. (شاه‌علی، ۱۳۹۰: ۱۵۵)

یک اقدام مهم و تأثیرگذار روحانیون مشروطه‌خواه این بود که با تکیه بر عناصر عقل، اصول فقه، قرآن و سنت به اجتهاد در مفاهیم جدید گفتمان غربی در قالب نظام وظیفه پرداختند تا سازگاری آیین و دین شیعه را با مفاهیم عقلی و تناسب شرع را با بعضی از اصول عقلی گفتمان غربی مانند آزادی، برابری، اکثریت آراء، رفاندوم و نظایر آن نشان دهند. در واقع، آنان چهره تطابق و تساهل مذهب شیعه را در برخورد با تمدن‌های دیگر به نمایش گذاشتند و حفظ اسلام شریعت شیعه و مملکت ایران را در پرتوی همین تطابق و تساهل دیدند.

توجه علمای این جریان نسبت به شاخص‌هایی مانند عقل‌گرایی، آزادی‌خواهی، حقوق اساسی انسان‌ها و مفاهیمی از این دست، سبب شکل‌گیری دوره‌ جدیدی از نواندیشی فکری شد که به نوعی به بازآفرینی اندیشه‌های علما انجامید. (آدمیت، ۱۳۵۵: ۲۱۲)

در نتیجه، تحولی در ماهیت تفکر سنتی اندیشمندان شیعی درباره حاکمیت سیاسی و

حاکمیت مذهبی ایجاد شد. در این دوره، اندیشه و ادبیات سیاسی شیعه مرحله‌ای از بازشناسی، بازپروری و پاسخگویی به شرایط نوین را تجربه کرد که به خودی خود، تأثیر بسزایی در روند کلی اندیشه سیاسی شیعه گذاشت؛ زیرا گفتمان رو به رشدی که در چهارچوب شاخص‌های تمدن غرب توسط روشنفکران وارد جهان اسلام و ایران شده بود، باعث توسعه اندیشه سیاسی شیعه شد که توأم با مشارکت روحانیت شیعه در امور سیاسی و اجتماعی بود و اثرات و برآیندهای مهمی را در تاریخ معاصر ایران بر جای گذاشت. بنابراین باعث رویارویی عمیق بین فرهنگ اسلام و غرب شد که شکل‌گیری دو گفتمان مشروطه‌خواهی و میانجی‌گری روحانیت، نتیجه این رویارویی بود (حائری، ۱۳۶۴: ۲۸۵).

علمای مشروطه خواه در برخورد با مفاهیم غربی، برداشت خوشبینانه‌ای نسبت به مشروطیت نداشتند و آن را مغایر با قوانین اسلامی می‌دانستند؛ بنابراین، در برابر آن موضع‌گیری کردند. چنانکه شیخ فضل‌الله نوری و تبریزی قائل به نظریه ولایت فقها در امور شرعی و سلطنت سلطان در امور سیاسی بودند. منتهی در این چهارچوب خواستار مشروعت یافتن پادشاهان از سوی علمای دینی نیز بودند؛ یعنی اولویت را به حوزه شرع و فقها می‌دادند. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰: ۲۴۵؛ ترکمان، ۱۳۶۲)

به طور کلی، نگاه علمای مشروطه‌خواه، متضمن مغایرت مشروطیت با اسلام بود و این حرکت مشروطه‌خواهی را می‌توان حرکتی در راستای حفظ اسلام، منتهی در چهارچوب تفکرات سنتی ارزیابی کرد که این هم خود بیانگر انعطاف‌پذیری تفکر سیاسی عالمان شیعی در پاسخ به چالش‌های فکری زمانه به شمار می‌آید؛ (عیوضی، ۱۳۷۷: ۱۲۵) با این وجود، با پذیرش مشروطیت از سوی اکثریت قاطبه علما، تحول چشمگیری در اندیشه آنان صورت پذیرفت و باعث شکل‌گیری دوره‌ای جدید از نواندیشی فکر و نیز به نوعی سبب بازآفرینی

اندیشه دینی شد. (همان: ۱۲۶) این علما با توجه به فضای دینی و فرهنگی ایران، انجام اصلاحاتی را در حوزه مسائل سیاسی و اقتصادی پذیرفتند؛ به عبارت بهتر، خواستار انطباق مسائل شرعی با مقتضیات زمان بودند. آنان دین را مجموعه‌ای از فرامین و احکام پراکنده تلقی نمی‌کردند؛ بلکه معتقد بودند در شرایط نوین جهانی، اندیشه دینی باید بتواند پاسخگوی نیازها و معضلات بشر امروزی باشد. بر این اساس علمای مشروطه‌خواه به گونه‌ای واقع‌بینانه و بر مبنای نیازهای روز جامعه اسلامی ایران، مفاهیم جدید غربی مطرح شده توسط روشنفکران را طرد نکردند؛ بلکه سعی کردند آنها را با صبغه دینی به مردم ارائه کنند. در نتیجه تلاش‌های این علمای واقع‌بین بود که مردم ایران توانستند این مفاهیم جدید را بپذیرند و به آن رنگ و بوی ملی بدهند. (آدمیت، ۱۳۵۵: ۱۴۲)

بنابراین، می‌توان به درستی گفت آنچه در ایران شکل گرفت، تلقی از دولت مدرن بر پایه آموزه‌های دینی بود، چرا که جامعه ما یک جامعه دینی با زیرساخت شرعی و فرهنگ مذهبی شیعی بسیار غنی بود؛ از این رو، تفکر دینی در باب مشروطه بر جنبش مشروطه‌خواهی ایران حاکم بود و هوشمندانه می‌کوشید، اندیشه‌های جدید را با عوامل فرهنگ ملی انطباق دهد.

#### ۲.۲.۶ نقش و تأثیر جریان روشنفکری در پیروزی مشروطه

علاوه بر جریان علما و روحانیت، جریان دیگری از نیروهای سیاسی - اجتماعی جامعه ایرانی در نهضت مشروطیت نقش داشتند که به جریان روشنفکری مشهور بودند. به طور کلی، روشنفکران کسانی‌اند که از چهارچوب‌های سنتی در هر زمینه فراتر می‌روند و ارزش‌های جدید ایجاد می‌کنند.

- ۱۷۱ ریشه شکل‌گیری جریان روشنفکری در ایران به قبل از نهضت مشروطه به دوران فتحعلی شاه قاجار و دوران اصلاحات عباس میرزا بازمی‌گردد. (نصراصفهانی، ۱۳۷۹: ۳۱۵-۳۱۷)

در واقع، جریان روشنفکری در ایران محصول رویارویی ایرانیان با تمدن غرب است. تأثیر و نفوذ غرب در ایران از سال ۱۸۰۰ م با دست‌اندازی نظامی روس‌ها آغاز شد. روس‌ها با شکست ایران در طی دو جنگ، در میان سال‌های ۱۲۲۸ هـ.ق/۱۸۱۳ م و ۱۲۴۳ هـ.ق/۱۸۲۸ م، عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای را به پادشاه وقت ایران (فتحعلیشاه) تحمیل کردند. این شکست، تکان سختی بر ایران وارد آورد، به گونه‌ای که شکسته شدن غرور ملی ایرانیان در مقابل عقلانیت مدرن تلقی شد. این شکست نوعی خودآگاهی در میان ایرانیان به وجود آورد و باعث شد که عقب ماندگی ابزاری و فناورانه ایران در برابر غرب به شدت احساس شود. این احساس باعث ایجاد اصلاحات و تحولاتی در ایران شد. اولین اصلاحات توسط عباس میرزا با اعزام دانشجو به انگلستان آغاز شد. سپس در دوران صدارت امیرکبیر و بعد سپهسالار تحولات و اصلاحاتی در ساختارهای مختلف کشور ایجاد شد. (راوندی، ۱۳۵۷: ۵۲)

بنابراین، ایرانیان در اولین برخورد با مظاهر غرب و مشاهده تمدن متریقی آن به عقب ماندگی مادی و اجتماعی خود پی بردند و شیفته ترقیات صنعتی اروپا شدند؛ (همان: ۱۵۴)

البته دغدغه اصلی روشنفکران در گام اول، ساختن ارتشی منظم بود تا به واسطه آن شکست‌های گذشته را جبران کنند. در همین راستا، تحولاتی در وضع ارتش ایران ایجاد شد.

با گسترش روابط ایران و اروپا، افکار نو و متریقی از مسیرهای مختلفی وارد ایران شد و بر اندیشه‌نخبگان ایرانی تأثیر گذاشت. از جمله این مسیرها به صورت غیر مستقیم، هند، قفقاز و عثمانی بود و به صورت مستقیم کشورهای اروپایی بودند. پیامد این تأثیرات تولد تفکر اصلاحات و اندیشه تغییر در جامعه ایران بود؛ بنابراین، ارتباط با غرب به ویژه از لحاظ فکری و ایدئولوژیکی زمینه رواج مفاهیم، اندیشه‌ها و گرایش‌های نو را پدید آورد و موجب ظهور طبقه متوسط جدیدی به نام طبقه روشنفکر شد که اندیشه‌ها و تفکراتشان با آرا و نگرش‌های



روشنفکران قدیم تفاوت بارزی داشت. فریدون آدمیت در توصیف این گروه می‌گوید: «اینها همان اقلیتی را تشکیل می‌دادند که با افکار سیاسی جدید آشنایی داشتند، پشتیبان انفصال قوا بودند و تفکیک قدرت روحانی را از قدرت دولت لازم می‌شمردند.» (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۴۵)

آبراهامیان در کتاب ایران بین دو انقلاب در خصوص اهداف روشنفکران جدید می‌گوید: «آنها خواستار برقراری و استقرار مشروطیت (برای از بین بردن سلطنت ارتجاعی)، سکولاریسم (برای نابودی نفوذ محافظه‌کارانه روحانیون) و ناسیونالیسم (برای خشکاندن ریشه‌های استثمار امپریالیست‌ها) بودند.» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۸۰)

نکته مهم در خصوص تفکر روشنفکران عصر مشروطه این است که آنان خواستار اصلاحات و مدرنیزاسیون از بالا بودند؛ یعنی می‌خواستند دولت مجری اصلاحات باشد. آنها به توانایی توده‌ها و نقش آفرینی علما و نظام‌های سنتی اعتقادی نداشتند و قدرت دینی و قدمت تمدنی را برای استقرار حیات ایران ناکافی می‌دانستند و از مفهوم ترقی و پیشرفت غربی تمجید می‌کردند. آنها به نوعی خواستار تجدد بدون دخالت ایرانی بودند؛ به عبارت دیگر، آنان خواستار نوعی «مدرنیته ابزاری» بودند. اعتقاد به این نوع از اصلاحات و مدرنیته ناشی از این بود که بسیاری از آنان در ساختار سیاسی و اجتماعی زمانه خود مؤثر بودند. (عیوضی، ۱۳۷۷: ۵۰)

مانند ملکم خان که در ابتدا در ساختار سیاسی دخیل بود و برای اصلاح ایران مطابق با میل ناصرالدین شاه خواستار استقرار حکومت سلطنتی مطلق منظم بود؛ اما وقتی با دولت وقت ایران در خصوص امتیاز لاتاری و غیره تعارض پیدا کرد، روزنامه قانون را در لندن منتشر کرد و به گونه‌ای صریح و روشن از حکومت مشروطه مبتنی بر قانون حمایت کرد. (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۶۵)

جریان روشنفکری بعد از نقد رژیم سیاسی قاجار به تلاش داشت با جایگزین کردن مدل

مد نظر خود مشارکت در نظام سیاسی جدید را تضمین کند. (فراست خواه، ۱۳۷۷: ۹۵) آنان به دنبال همانندسازی بودند؛ اما این هماهنگ‌سازی به خاطر فاصله گرفتن از فرهنگ و بنیادهای فرهنگی جامعه آنان را گرفتار نوعی بحران هویت کرد؛ یعنی سعی کردند از غرب تقلید کنند، بدون اینکه جوهر مدرنیته غربی را درک کرده باشند. (عیوضی، ۱۳۷۷: ۱۶۳)

سید جمال‌الدین اسدآبادی از روشنفکران مسلمان عصر قاجار، استبداد داخلی و خارجی را مهم‌ترین و دیرپاترین درد جامعه اسلامی می‌دانست و در نامه‌هایی به علما و مجتهدان ایران و عراق می‌نوشت، آنان را از اسرار پشت پرده استعمارگران درباره ایران آگاه می‌ساخت و به موضوع‌گیری و مبارزه با استعمارگران فرا می‌خواند. (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۴-۳۹) نامه او به میرزای شیرازی آن قدر روشنگر بود که میرزای شیرازی را به صدور فتوای تحریم تنباکو واداشت. سید جمال در آن نامه به امتیازهای فراوانی که شاه ایران به بیگانگان و استعمارگران داده بود، اشاره کرد و از میرزا خواست نسبت به این امتیاز از خود واکنشی نشان دهد. (الگار، ۱۳۵۶: ۲۸۲-۲۸۱)

زمینه‌های فکری انقلاب مشروطیت ایران در نتیجه این جریان روشنفکران آماده شد. انجمن‌های روشنفکری مانند فراموشخانه و مجمع آدمیت و لژیون‌داری و انجمن ترقی به فعالیت فکری و عملی روشنفکران سازمان می‌داد. جریان روشنفکری در نهضت مشروطه نقش مهمی در ادبیات‌سازی و ترویج مفاهیم جدید داشت. به اعتقاد روشنفکران، مشروطیت یکی از بنیادهای اصلی مدنیت غربی بود؛ از این رو، آنها به نشر آن در جریان نهضت مشروطه پرداختند و در نتیجه آن طبقه روحانیت هم به آن گرایش پیدا کردند و با تفسیر فلسفی و شرعی به پشتیبانی از آن برآمدند. روحانیت تلاش داشت تا این مفاهیم را مبتنی بر منابع اسلامی تبیین کرده و بیان کند که این مفاهیم حتی به صورت مترقی در اسلام وجود دارد. (کاظم‌زاده:

برای نشان دادن تحول اندیشه تجدد و ترقی به صورت گذرا به اندیشه چند تن از روشنفکران می‌پردازیم: ۱. میرزا ملکم خان: ایشان یکی از بزرگ‌ترین و تاثیرگذارترین روشنفکران عصر ناصری و مظفیری بود، به گونه ای که بر شخصیت‌های دوران بعدی هم تاثیر داشت. وی تمام تلاش فکری و علمی‌اش معطوف یافتن پاسخی منطقی برای این پرسش بود که مانع ترقی ما چیست؟ که تنها پاسخ صریح و روشن برای آن را تجدد غربی عنوان کرد. میرزا ملکم خان با ترویج اندیشه‌های قانون‌خواهانه بیشترین نقش را در گشودن راه استقرار حاکمیت قانونی (مشروطه) در ایران ایفا کرد. اگرچه ملکم خان در ابتدا تلاش می‌کرد تا مفاهیم مدرن را با سنت درآمیزد؛ اما در نهایت مسیر سنت‌ستیزی را برای مدرن‌سازی ایران در پیش گرفت. ۲. کسروی: وی در ردیف روشنفکران تجددگرا و ناسازگار و ستیزه‌جو با سنت قرار داشت و اصلی‌ترین دلیل پیروی شرقی آن از غرب را نتیجه ناآگاهی آنها از قابلیت‌ها و تاریخ شرق و دوره‌های درخشان آن می‌دانست. او در موضع‌گیری‌هایش علیه استعمار شاید جز معدود روشنفکران دولت دوره مشروطه است که به نقد خود بیش از نقد دیگری یا استعمار غرب پرداخته و یکی از واقع‌بینانه‌ترین دیدگاه‌ها را مطرح ساخته و به علل داخلی در زمینه‌سازی استعمار بیش از ماهیت هجوم آن اهمیت داده است. (کسروی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۳)

کسروی در ردیف ملکم خان، سنت‌ستیزی را وجهه همت خویش قرار داد؛ ولی تفاوت او با ملکم خان در این باور بود که غرب نمی‌تواند درد جامعه ایران را درمان کند؛ چرا که درد یکسان نیست در نتیجه علاج عقب ماندگی را نباید در غرب جستجو کرد؛ بلکه بایستی به علم‌گرایی توجه کنیم.

## ۷. تحلیل هر دو جریان: همگرایی و واگرایی روحانیون و روشنفکران

در جریان مشروطه خواهی، شاهد یک رشته اتحاد و افتراق‌هایی بین نوگرایان و بخشی از جامعه روحانیون هستیم که تفسیرهای متعددی از چرایی، چگونگی و پیامدهای آن شده است. به نظر می‌رسد یکی از علل اساسی این برداشت‌های متفاوت از نزدیکی و جدایی این دو قشر تأثیرگذار در انقلاب مشروطه، نبود شناخت کافی از روحیات بازیگران اصلی در این دو طیف است.

آنچه که موجب می‌شد، روحانیون عصر مشروطه به میدان بیایند و پایه پای عامه مردم ندای مشروطه‌خواهی سر دهند، تلاش برای رهایی از حکومت جور و برپایی نظامی مذهبی‌تر از آنچه در آن عصر شاهد بوده‌ایم، است. نزدیکی به روشنفکران و دوری از این گروه و حتی تلاش برخی از روحانیون برای حفظ سلطنت قاجار در برابر مشروطه‌خواهی هم برای حفظ اسلام در بین مردم بوده است. آنچه که مسلم است اینکه، هدف اصلی در بین غالب علما، یکسان بوده؛ اما نگرش‌ها و روش‌ها برای رسیدن به این هدف در بین آنها تفاوت‌هایی داشته است. با این سوءگیری‌های متفاوت، بین روحانیون و تجددخواهان ائتلاف‌هایی برقرار شد. بعضی از روحانیون سنت‌گرا در این ائتلاف از رواج ایده‌های تجددگرایانه در میان روشنفکران خرسند نبودند و در طلب نظام مشروطه مشروعه‌ای بودند که در آن نظر علما تأمین شود. (آفاری، ۱۳۸۵: ۴۳)

از مهم‌ترین مسائل این دوره همراهی و ائتلاف جریان روشنفکران و روحانیون بود که تحت تأثیر افکار ترقی‌خواهانه جدید و جریانات آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه قرار گرفت که این ائتلاف امکان به تحریک و اداشتن جامعه را فراهم کرد و روشنفکران توانستند قدرتشان را به نحو فزاینده‌ای مؤثر سازند. دلایل توفیق همه اقدامات انجام شده توسط نخبگان روشنفکران

عبارتند از: ۱. حدود حکومت مستبد و مطلقه خودکامه؛ ۲. وجود انجمن‌ها و گروه‌های سیاسی و سازمان‌های سنتی نظیر اصناف بازار و دیگر انجمن‌ها؛ ۳. بسته بودن دایره حرکت نخبگان در این دوره. (بشیری، ۱۳۸۹: ۷۵-۷۷)

روشنفکران این دوره، اعم از درس خوانده‌ها و سیاستمداران مذهبی و غیرمذهبی و تمام اقشار نخبگان فکری و سیاسی در این زمان رهبری سیاسی روحانیون را پذیرفتند و سعی کردند برای رهایی از سانسور و اختناق و نیز قدرت و نفوذ روحانیون که بر ذهنیت مذهبی جامعه سنتی تسلط داشتند، مسائل نظری مربوط به اندیشه آزادی‌خواهی و تجدد و دموکراسی را در لباس مذهب و مستند به آیات و احادیث ارائه دهند. (آجدانی، ۱۳۸۷: ۲۲۵)

در کل، روشنفکران، آزادی‌خواهی و استقلال، قانون و حقوق مردم را مطرح کردند و جریان روحانیون با رهبری و هدایت مردم و ارائه بازخوانی جدید از اندیشه حکومت اسلامی، نقش اصلی را در راه‌اندازی جریان مشروطه بازی کردند.

## ۸. نتیجه‌گیری

اگر جنبش مشروطه را در سه مرحله تجسم کنیم: در موج اول و در آستانه جریان حکومتی در اسلام شیعی را مطرح کرد و برای نخستین بار تشیع از چهارچوب مطلق‌انگاری فقه، کلام و فلسفه خارج شد و با جلوه و چهره‌ای نوین، مبانی سیاست و حکومت در اسلام را طراحی کرد و در برابر روشنفکرانی که در پی استقرار دولت مشروطه (پارلمان)، تفکیک قوا و احزاب سیاسی و آزادی و قانون بودند، سیمای سیاسی و کارکردهای حکومتی را از خود بروز داد. هر چند روحانیت نتوانست قشر یکدست و مستقلی را ارائه دهد؛ بلکه دیدگاه‌های متفاوت و گاه متناقض این قشر در خصوص رابطه دین و سیاست، مشکلاتی را به بار آورد. در

موج دوم، روحانیت به دلیل هم‌خوانی فرهنگی با توده‌ها و توانایی در بسیج عمومی توانست، تظاهرات ضدحکومتی را سامان دهد. همچنین با بازآفرینی دیدگاه اسلام درباره حکومت در عصر غیبت به تشکیل مشروطه صحنه بخشید. موج سوم را طبقه متوسط متشکل از بازاریان و روشنفکران، رهبری کردند. این گروه به دلیل ارتباط با اروپا، خواهان کنترل و محدود کردن قدرت دستگاه حاکمه و تنظیم مناسبات دولت و جامعه بر مبنای ساخت و وضع قانون تعیین حدود آزادی، توجه به حقوق طبیعی افراد و مبارزه با اصل حق الهی حکومت بودند. این انتظارات متأثر از مطالعه رسالات فلاسفه سیاسی انگلیس و در پاسخ به بیانات روشنفکران بود. در واقع، نقش اجتماعی روشنفکران در این دوره تا حدودی باعث می‌شود تا تأثیرات اجتماعی زیادی بر مردم داشته باشند، آنها در جایگاه حلقه واسط بین افکار اندیشمندان دیگر کشورها و توده مردم عمل می‌کردند و به مثابه ترجمان اندیشه‌های غربی بر جامعه شرقی بودند.

با بررسی نقش و جایگاه و تأثیرات جریان روحانیون و روشنفکران در دوران مشروطه می‌توان نتایج و یافته‌های ذیل را به دست آورد:

۱. در مورد زمینه‌ها و ریشه‌های به صحنه آمدن مذهب و علما در جایگاه نمایندگان رسمی تحولات دوره مشروطه، اولین نقش جدی را باید به علما منصوب دانست.
۲. تحولات در خور توجهی در این دوره در جامعه ایرانی رخ داد و جامعه ایرانی، با تفسیری که برخی از علما در حمایت از مشروطه انجام دادن منجر به مشروعیت‌بخشی در مشروطه شدند، از مسیر سنت به دوران تجدد وارد شد؛ مانند ورود نظریه پردازانه علامه نائینی که به نوعی پیوند با اندیشه‌های مدرن غربی و ارتباط با روشفکری محسوب می‌شود.
۳. جریان نخبه‌گرای روحانیون برای جلوگیری از تسلط بیگانگان مقدرات مملکت

اسلامی در محورهای مختلف اقدام کردند. در نخستین مسئله اقتصادی با تحریم تنباکو به بیگانگان ضربه زدند و پیوند بین جریان روحانیت و روشنفکران در ابتدای مسیر مشروطه از جمله برجستگی‌های این دوران محسوب می‌شود.

۴. جریان نخبه‌گرای روشنفکران در مرحله قبل از نهضت مشروطه به نقد نظام سیاسی استبدادی قاجار پرداخت و در مرحله بعد وارد فاز مشارکت در زندگی سیاسی شد و در جریان این مشارکت، تلاش کرد تا دموکراسی مدل غربی را جایگزین حکومت در ایران کند.

۵. حیات سیاسی جریان روشنفکران و هسته شکل‌گیری این طبقه در نخستین مواجهه-های ایران با غرب، صورت گرفت. نقشی که آنها برای خود تعریف کردند، ضدیت با سنت و تبلیغ مبانی مدرنیته بود. انگاره آنها از غرب به صورت ایجابی و ستایشگری از غرب خلاصه می‌شد. افرادی مانند ملک‌خان ابتدا تلاش می‌کردند تا این مفاهیم را با سنت درآمیزد؛ اما در نهایت او هم، مسیر سنت‌ستیزی را برای مدرن‌سازی ایران در پیش گرفت.

۶. تصویر جریان روشنفکران و تأثیری که در تحولات اساسی مشروطه داشت، بازتعریف مفاهیم مدرن بود که همین امر سبب شد، جریان روحانیون برای فهم این مفاهیم به سراغ مذهب و سنت بروند و نسبت این مفاهیم را از دل سنت تعریف کنند.

۷. در نهایت، تعامل و ائتلاف این دو جریان نخبه‌گرا سبب گردش نخبگانی شد و تغییرات اساسی در نوع حکومت و مدل تصمیم‌گیری و نخبگان حاکم شد.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آبراهامیان، یرواند، (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب درآمدی در جامعه‌شناسی ایران معاصر، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی
۲. آجدانی، لطف‌الله، (۱۳۸۷)، علما و انقلاب مشروطیت ایران، تهران: اختران.
۳. آدمیت، فریدون، (۱۳۴۰)، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران: سخن.
۴. آدمیت، فریدون، (۱۳۵۵)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ج ۱، تهران: پیام.
۵. آفاری، ژانت (۱۳۸۵)، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، چاپ اول، تهران: بیستون.
۶. بشیریه، حسین، (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نی.
۷. تقی‌زاده، سید حسن، (۱۳۳۸)، زمینه انقلاب مشروطیت ایران، (سه خطابه)، تهران: گام.
۸. حائری، عبدالهادی، (۱۳۶۴)، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: امیرکبیر.
۹. راوندی، مرتضی، (۱۳۵۷)، تفسیر قانون اساسی ایران، تهران: مبشری.
۱۰. ربانی‌زاده، سیدمحمد رحیم و لطف‌الله، لطفی، (۱۳۹۴)، «ساختار قدرت در ایران عصر ناصری»، جستارهای سیاسی معاصر، سال ششم، ش ۴.
۱۱. رسول‌زاده، محمد امین، (۱۳۷۷)، گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه رحیم رئیس‌نیا، تهران: شیرازه.



۱۲. زرگری نژاد، غلامحسین، (۱۳۸۰)، «ملکم خان ترقی خواهی در سیاست، انحلال طلبی در اقتصاد و فرهنگ»، فرهنگ و اندیشه، سال اول، ش ۱.
۱۳. شاه‌علی، احمدرضا، (۱۳۹۰)، «راهبرد حکومتی امام خمینی رحمته الله علیه در مقایسه با رهبران روحانی مشروطه»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، ش ۱.
۱۴. شجیعی، زهرا، (۱۳۷۲)، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران: سخن.
۱۵. عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۷۷)، تئوری‌های ساخت قدرت و رژیم پهلوی دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. فراست‌خواه، مقصود، (۱۳۷۷)، سرآغاز نواندیشی معاصر دینی و غیردینی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۷. قدیمی قیداری، عباس، (۱۳۸۹)، «بحران جانشینی در دولت قاجار (از تأسیس تا جلوس محمد شاه قاجار)»، پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، دور دوم، ش اول.
۱۸. کاظم‌زاده، کاظم، (۱۳۵۰)، آثار و احوال کاظم‌زاده ایرانشهر، تهران: اقبال.
۱۹. کرمانی، ناظم‌الاسلام، (۱۳۶۳)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: امیرکبیر.
۲۰. الگار، حامد، (۱۳۵۶)، دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- نصراصفهانی، محمد و علی، (۱۳۷۹)، بنیان‌های انقلاب اسلامی، اصفهان: انتشارات فرهنگ و مردم.